

Investigation and analysis of the method of the Holy Quran in visualizing the words to understand the meanings of the verses

Mahin Shahrivar ¹ , Samad Abdullahi Abed ² 

1. Postdoctoral Researcher, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) mahin.shahrivar@yahoo.com
2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. (Postdoctoral Admitting Professor) S.abed@azaruniv.ac.ir

Detailed Abstract

Research Objective

Semantics, derived from the Greek word *semantias*, is the science of studying meaning, focusing on understanding meanings in human languages. Generally, semantics investigates the relationship between words and their meanings. It primarily examines the connection between signifiers—such as words, phrases, symbols, and signs—and their applications. One branch of semantics that has been applied in the study of Qur’anic verses is cognitive semantics, which is further divided into various subfields. One significant approach within cognitive semantics is conceptual schemata, which facilitates a deeper understanding of the Qur’an. This article, employing a descriptive-analytical approach with a Qur’anic perspective, examines and analyzes the conceptual schemata within Qur’anic vocabulary. The main question addressed is: What role do conceptual schemata play in enhancing comprehension and learning of the Qur’an? Based on the analysis, it can be concluded that God employs multiple tools to enhance comprehension and present the Qur’anic content beautifully, one of which is imagery. In the Qur’an, words often transcend their ordinary usage to create vivid mental images that aid in understanding the verses.

Conceptual schemata in cognitive semantics can be examined in three primary domains:
Spatial/Volumetric Schemas: Assign material volume to events, making them tangible and conceivable.

Motion/Action Schemas: Attribute movement and agency to events or entities, such as living beings.

Power/Force Schemas: Endow events with faculties such as cognition, awareness, speech, and other capacities.

These three types of schemata breathe life into various events, allowing humans to generate diverse mental images of Qur’anic verses and apply them in their daily lives, ulti-

Received: 2024-06-10 | Received in revised form: 2024-08-24 | Accepted: 2024-11-24 | Published online: 2025-10-23

◆ How to cite: SHahrivar, M. and abdollahi abed, S. (2025). Investigation and analysis of the method of the Holy Quran in visualizing the words to understand the meanings of the verses. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(Y), 120-139. doi: 10.22034/sshq.2025.461233.1470

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur’anic Exegesis and Sciences



style.quran.ac.ir



mately facilitating human development and spiritual growth.

However, given ongoing debates in Qur'anic studies, reliance on traditional or purely rationalist approaches alone is insufficient. Modern semantic tools are essential to address deficiencies, propose innovative interpretative methods, and deepen conceptual and aesthetic understanding of the Qur'an. The necessity of utilizing modern semantic tools can be highlighted through several considerations:

Addressing misinterpretations and subjective reasoning due to neglecting cognitive semantics in Qur'anic exegesis.

Revealing new propositions in the Qur'an by analyzing its geometric and structural patterns, which are not apparent through isolated verse study.

Employing linguistics to explain variations in interpretation, uncovering subtle elements hidden in Qur'anic expressions, and guiding the interpreter to insights otherwise inaccessible.

A central principle of cognitive semantics is that each interpretation is grounded in unique conceptualization, allowing distinct linguistic expressions for the same situation. Although these expressions convey similar events, significant differences exist among them. This principle underscores that semantic conceptualization accounts for the diversity of interpretations arising from a single context.

Therefore, this study aims to examine and analyze conceptual schemata in the cognitive semantics of Qur'anic vocabulary, facilitating deeper comprehension of the meanings and aesthetic qualities of the divine text.

Keywords: Conceptual Schemata, Spatial/Volumetric Schema, Motion/Action Schema, Power/Force Schema, Semantics

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

بررسی و تحلیل روش قرآن کریم در تصویرسازی کلمات جهت شناخت معانی آیات

مهین شهرپور^۱ (ID)، صمد عبداللهی عابد^۲ (ID)

۱. پژوهشگر پسادکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسندهٔ مسئول)

mahin.shahrivar@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (استاد پذیرش دهندهٔ پسادکتری)

S.abed@azaruniv.ac.ir

پژوهشی



چکیده

معنی‌شناسی برگرفته از لغت یونانی «semantias»، علم مطالعهٔ معنا، است که به بررسی و مطالعهٔ معانی در زبان‌های انسانی می‌پردازد؛ به‌طورکلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند. این علم معمولاً بر رابطهٔ بین دلالت‌کننده‌ها، مانند لغات، عبارات، علائم و نشانه‌ها و کاربرد معانی آن تمرکز دارد. یکی از شاخه‌های معنی‌شناسی که در بررسی آیات قرآن به کار رفته است، معنی‌شناسی شناختی است. معنی‌شناسی شناختی به انواع مختلفی تقسیم شده است که یکی از آن‌ها الگوهای تصویری است که موجب درک بهتر قرآن کریم می‌شود. در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد قرآنی به بررسی و تحلیل طرح‌های تصویری معنی‌شناسی شناختی در واژگان قرآن کریم، پرداخته شده است و نتیجهٔ به‌دست‌آمده چنین است که خداوند از راه‌های متعددی برای بیان مفهوم آیات در قرآن، استفاده کرده تا انسان‌ها بتوانند معنای آیات را به راحتی بفهمند و دلیلی برای اجتناب از قرآن و پیام‌های اسلامی نداشته باشند. یکی از این گزینه‌ها، طرح‌های تصویری است که خداوند، معنی و مفهوم آیات را برای بندگانش به تصویر می‌کشد؛ بنابراین، الگوهای تصویری معنی‌شناسی که در سه قسم حجمی، حرکتی و قدرتی، بیان شده‌اند، پدیده‌های جهان‌آفرینش را این چنین لمس و تصور می‌کنند.

واژگان کلیدی: الگوهای تصویری؛ الگوی حجمی؛ الگوی حرکتی؛ الگوی قدرتی؛ معنی‌شناسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

◆ استناد به این مقاله: شهرپور، مهین و عبداللهی عابد، صمد. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل روش قرآن کریم در تصویرسازی کلمات جهت شناخت معانی آیات. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۹ (شماره ۲)، ۱۲۰-۱۳۹. doi: 10.22034/sshq.2025.461233.1470

مقدمه

معناشناسی، رشته‌ای از علم زبان‌شناسی است که بررسی معنا و مفهوم نشانه‌ها، از اهداف این علم است که خود به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود؛ یکی از این شاخه‌ها الگوهای تصویری است که به‌نوبه خود به بخش‌های حجمی، حرکتی و قدرتی تقسیم می‌شود.

از جلوه‌های زیبا و باشکوه قرآن این است که از همه ابزارها برای معنا بخشیدن به حقایق استفاده می‌کند؛ مانند سنگ تراشی ماهر که از تکه‌سنگی بی‌جان، تصویری زیبا می‌تراشد و به آن تصویر جان و معنا می‌بخشد. قرآن کریم نیز از کلمات ساده و بی‌روح، تصاویر بی‌نظیر و بدیع آفریده است و به آنها آن‌چنان حیات زیبایی بخشیده است که همواره زنده و جاویدان است و در کالبد روح و روان انسان‌ها جریانی از چالش و تکاپو ایجاد می‌کند.

در دنیای کنونی، استفاده از ابزارهای سنتی و یا مبنی بر عقل‌گرایی در درک و یادگیری قرآن، اگرچه ممدوح است، اما با در نظر گرفتن شبهات و چالش‌های انحرافی که در حوزه قرآن‌پژوهی همواره ایجاد می‌شود، کافی نیست. (خلف مراد، ۱۳۹۰: ۷۱)

ابزارهای معناشناسی جدید، نتیجه تلاش‌های معناشناسی در زمان قدیم بوده است و در جهت تصحیح و از بین بردن کاستی‌ها و نیز مطرح کردن راه‌های نوین در این راستا است. (بستانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

با این توصیف‌ها، ضرورت استفاده از ابزارهای معناشناسی جدید را با مؤلفه‌های زیر، می‌توان چنین مطرح کرد:

الف) مواجهه با روش نادرست تفسیربه‌رأی و گسترش آن

اساسی‌ترین علتی که سبب می‌شود دچار تفسیربه‌رأی شویم، مقایسه و توجهات درونی است که هر مفسری آیات قرآن کریم را براساس افکار و عقاید خود تفسیر می‌کند و عمده‌ترین عامل تفاوت این تفسیر با دیگر تفاسیر، استفاده نکردن از دستورات معناشناسی شناختی در تفسیر قرآن است.

ب) ساختارهندسی قرآن کریم

ساختار هندسی قرآن کریم یکی از مسائلی است که لزوم استفاده از ابزارهای جدید معناشناسی را مطرح می‌کند. روش ساختاری سبک جدیدی در تفسیر قرآن کریم است. براین اساس، هر سوره دارای غرضی است و تمامی آیات و مباحث مطرح‌شده در سوره، به‌صورت منطقی و فصل‌بندی‌شده، به آن غرض مرتبط می‌شود. اگر از این زاویه به مطالعه سوره‌ها بپردازیم، می‌توانیم گزاره‌های جدیدی را از قرآن کشف کنیم؛ گزاره‌هایی که به‌طور معمول، از بررسی و مطالعه جداگانه آیات به‌دست نمی‌آید. اگر با این نگاه به آیات نگریسته

شود، ممکن است از طریق فهم بهتر آیه، احراز مقدمات حکمت یا راه‌های دیگر، تأثیر آن در استنباط مطالب را نیز ببینیم. (ابوزید، ۱۳۹۲: ۴۶)

بدون شک، بهره‌مندی از روش‌ها و دانش‌های نوین، نه تنها نوعی ژرف‌نگری معمول در آیات قرآن است؛ بلکه از مصادیق بارز آن نیز هست. زبان‌شناسی در توضیح اختلاف تعبیرات، قدرت بسیار بالایی دارد و موارد جزئی پنهان در تعبیرات قرآنی را با تحلیل و بررسی، مطرح می‌کند. این علم، اشکالات بسیاری از یافته‌های ادبی را مطرح کرده و مسیر دید مفسر را به جاهایی می‌کشاند که بدون آن، امکان دسترسی به آن‌ها را نداشت. (قائمی نیا، ۱۳۹۹: ۳۱۷)

زبان‌شناسی شناختی، رویکردی به تحلیل زبان‌های طبیعی است که زبان را ابزاری برای نظم و سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر می‌گیرد. (همان) زبان‌شناسی شناختی، یکی از شاخه‌های نوین زبان‌شناسی است که از دهه ۱۹۷۰ میلادی رونق گرفت. این شاخه از زبان‌شناسی، نتیجه تلاش سه زبان‌شناس مشهور است؛ جورج لیکاف^۱، زبان‌شناس و استاد دانشگاه کالیفرنیا، رونالد لانگاکر^۲، زبان‌شناس و استاد ممتاز دانشگاه کالیفرنیا، لئونارد تالمی^۳، استاد بازنشسته زبان‌شناسی و فلسفه دانشگاه بوفالو.

از اهداف اصلی این مقاله، پاسخ به این پرسش است که طرح‌های تصویری چه نقشی در درک و یادگیری بهتر قرآن کریم دارد؟ در قرآن کریم، الفاظی استفاده شده است که از حالت عادی، دور شده و با واژه‌های خود، تصویرهای زیبایی ابداع نموده است که می‌توان با آن تصاویر، مفهوم زندگی را استنباط کرد و چون این تعبیرات به زبان قوم نازل شده است، فهم و درک تعبیرات قرآنی را آسان می‌کند.

یکی از مواردی که زبان‌شناسی شناختی بر روی آن اصل استوار است، این است که هر تعبیری بر مفهوم‌سازی ویژه بنا شده است و ما می‌توانیم از یک موقعیت تعبیرات زبانی خاصی داشته باشیم. این تعبیرات اگرچه یک موقعیت را برای ما مطرح می‌کند، اما تفاوت‌های عمده‌ای در بین آنها موجود است. این اصل که معناشناسی مفهوم‌سازی است، به اختلافات زیادی در بین تعبیرات متعددی از یک موقعیت اشاره دارد. (شهریاری نسب، ۱۳۹۹: ۵۳)

۱- تاریخچه پژوهش

کتاب‌ها و مقالاتی تألیف و تدوین شده است که به‌طور مفصل به معناشناسی شناختی قرآن کریم و همچنین الگوهای تصویری، به‌طور کلی، پرداخته شده است؛ از آن جمله کتابی است با عنوان «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن» که محمداسمی در ۱۳۹۰ در

1) George ekoff.

2) langacker Ronald.

3) leonard talmy.

انتشارات علمی فرهنگی به چاپ رسانده است.

همچنین قائمی‌نیا در ۱۳۹۰ کتابی با عنوان «معناشناسی شناختی قرآن» در انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به چاپ رسانده است.

بلقیس و اردبیلی در ۱۳۹۹ کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی» در نشر علم به چاپ رسانده است.

همچنین صفوی در ۱۳۸۲، مقاله‌ای با عنوان «بحثی درباره طرح‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی» در نامه فرهنگستان، شماره ۲۱ در صفحات ۶۵-۸۵ به چاپ رسانده است.

راسخ مهند نیز در ۱۳۸۶ مقاله‌ای با عنوان «اصول و مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی شناختی»، در مجله بخارا، شماره ۱۶ در صفحات ۱۷۲-۱۹۱ چاپ شده است.

در حالی که هدف از نگارش این مقاله بررسی و تحلیل الگوهای تصویری در معناشناسی شناختی کلمات قرآن کریم است و تا جایی که برای نگارش این مقاله جستجو شد، کتاب یا مقاله منحصربه‌فردی در این باب، نوشته نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی

در آغاز به بررسی مفهوم اصطلاحاتی که در این مقاله، مطرح شده است، می‌پردازیم و در ادامه، انواع طرح‌های تصویری در قرآن کریم را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲-۱. سمانتیک و پراگماتیک

معادل واژه سمانتیک در زبان انگلیسی «semantic» و در زبان فرانسوی «sémantique»، به معنای معناشناسی است که ریشه در واژه یونانی «sémantika» دارد و به معنای «علم مطالعه معنی» است. این دانش اصولاً به ارتباط بین دلالت‌کننده‌هایی چون عبارت‌ها، واژگان، نشانه‌ها، علامت‌ها و زمینه کاربرد معانی آنها پرداخته است. واژه پراگماتیک «Pragmatism» به معنی عمل‌گرایی برگرفته از «Pragma» به معنی کردار و یا عمل است و پراگماتیسم یا همان مکتب اصالت عمل است که رو در روی مکتب عقیده و اندیشه «Intellectualism» است و آن یک نگاه فلسفی است که همیشه بر کردار، عمل و کارایی چیزی تأکید دارد. یک مکتب فلسفی که ارزش و جایگاه افکار، عقاید و اعمال را بر طبق فایده و نتایج عملی آنها می‌پندارد. (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

علم سمانتیک «semantics» در ارتباط با ایجاد مفهوم و روند گسترش و دگرگونی‌های آن، بحث می‌کند؛ رابطه‌های معنایی بین مفاهیم متعدد و متفاوت را بررسی کرده و زنجیره‌ای از معنا و مفاهیم مرتبط به هم را پیدا می‌کند. (صفوی، ۱۳۹۳: ۸۰)

۲-۲. معنی‌شناسی

«معنی‌شناسی (سمانتیک) گرایشی از دانش زبان‌شناسی است که به تحلیل مفاهیم علامت‌ها می‌پردازد.» (دهخدا، ۱۳۹۱: ۳/۸۵۴)

آنچه که دانش زبان‌شناسی و معناشناسی نامگذاری شده است، مجموعه رویکردهایی است که به دلیل وجه اشتراکشان در دیدگاه‌هایی بود که نسبت به زبان داشتند. آنچه که به معانی و مفاهیم جان و حیات می‌بخشد و آنها را برای انسان قابل درک و زیبا می‌کند، تصویرگری و مجسم کردن آنها به روش‌های متفاوت است. (لبش، ۱۳۹۴: ۴۲)

۲-۳. ترسیم صورت و تجسم شکل

ترسیم صورت و تجسم شکل در ذهن برای معانی و مفاهیم را تصویر گویند. تصویر، استفاده از جملات و کلمات به روش هنری است؛ طوری که معانی و مفاهیم ویژه‌ای را در چارچوب واقعی، احیاء و مجسم می‌نماید و علاوه بر تحریک احساس و خیال مخاطب، پیام خاصی را به او منتقل می‌کند. (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۱۲)

۳. الگوهای تصویری

الگوهای تصویری یکی از قالب‌های مفهومی مورد توجه و بررسی معنی‌شناسان است. ما در این دنیا، حرکات و رفتارهایی انجام می‌دهیم؛ فکر می‌کنیم، غذا می‌خوریم، می‌نشینیم، اطرافیان خود را درک می‌کنیم؛ بدین ترتیب، قالب‌های مفهومی بنیادین شکل گرفته است که برای تفکر درباره امور انتزاعی تر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجربه‌های ما از دنیای خارج، در ذهن ما پدیده‌هایی را ایجاد می‌کند و ما آن پدیده‌ها را در زبان، جاری می‌کنیم. این قالب‌های مفهومی، به عبارتی دیگر، الگوهای تصویری هستند. در توضیحی شفاف‌تر، الگوهای تصویری، به نوعی، همان ساخت مفهومی است که باتوجه به تجربیات دریافتی ما از جهان خارج، در زبان ما جاری می‌شوند و گسترش می‌یابند. (صفوی، ۱۳۸۸: ۶۷)

یکی از ابعاد علم معناشناسی، الگوهای تصویری است که به سه شاخه حجمی، حرکتی و قدرتی تقسیم می‌شوند. در این مقاله، این موضوعات، به همراه ذکر نمونه‌هایی از قرآن کریم، تحلیل و بررسی خواهد شد.

۳-۱. الگوی حجمی

یکی از انواع الگوهای تصویری، الگوی حجمی است. انسان‌ها از قرار گرفتن در مکان‌های خاص که حکم ظرف پیدا می‌کنند، بدن خود را مظروف می‌پندارد که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی جای بگیرد. همین حالت در آیات قرآن کریم وجود دارد؛ گویی به پدیده‌ها، ظرفیت بخشیده شده که هر کدام از آنها دارای حجم هستند؛ برای مثال:

۳- ۱- ۱. اگر در آیه ۷ بقره «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» عبارت «عَلَى سَمْعِهِمْ» بر «قُلُوبِهِمْ» عطف شده باشد، به این معنی است که بر گوش انسان‌های کافر مهر زده شده است و اگر عطف بر «ختم الله» باشد، به این معنی است که بر گوش‌ها پرده افکنده شده است. (یزیدی، ۱۴۰۵: ۶۴/۱)

۳- ۱- ۲. دین خدا در آیه ۱۳۸ بقره «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»، بهترین رنگ معرفی شده است که با توجه به آیات مطرح شده، به این نتیجه می‌رسیم که خداوند پدیده‌ها را در این آیات، مظلوف قرار داده است که می‌تواند دیگر اشیا را در خود جای بدهند یا به شکل مجسم دربیایند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۱۳۰/۱)

۳- ۱- ۳. خدای متعال بر اساس آیه ۲۵۰ از سوره بقره (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدَامُنَا) در دل‌ها، صبر و شکیبایی افکند یا ریخت. (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۵: ۵۲۷/۱) که در آن، دل‌ها همانند ظرف است و صبر بسان آبی است که بر دل‌ها فرو می‌ریزد.

۳- ۱- ۴. در آیه ۱۱۲ از سوره آل عمران (صُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ)، از ریسمان که از امور حسی است، برای عهد و پیمان که از امور عقلی است، برای استعاره استفاده شده است. (ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۱۸۱/۱)

۳- ۱- ۵. واژه «حبل» در آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)، استعاره است برای عهد و پیمان؛ زیرا تمسک به حبل الله، سبب نجات انسان از ضلالت و گمراهی است؛ همان‌طور که چنگ و تمسک به ریسمان سبب نجات انسان از چاه نابودی است. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۷۲: ۲۱۳/۲)

۳- ۱- ۶. در آیه ۱۰ نساء (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا) همه کلمات در معنی واقعی خود به کار رفته است؛ تنها فعل "یاکلون" به واژه‌ی "نار" که قابل خوردن نیست، نسبت داده شده که گویا منظور آیه چنین است که خوردن مال یتیم، مثل خوردن آتش است. (ر.ک: طبیب‌حسینی، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۴۵)

۳- ۱- ۷. در آیه ۴۶ از سوره انعام (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ)، بستن گوش و چشم به معنای کر و کور کردن انسان‌های ملحد است و مهر زدن بر دل‌ها به معنای گرفتن تفکر از انسان است؛ به طوری که دیگر نمی‌تواند کار خوب و بد را از هم تشخیص دهد. (فراء، ۱۹۸۰: ۳۳۵/۱)

۳- ۱- ۸. در آیه ۱۲۰ از سوره انعام (وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ)، گناه به لباسی تشبیه شده است که رویه و آستر دارد. منظور از «گناه ظاهری»، گناهی است که سرانجام زشت و بدش بر کسی پوشیده نیست؛ مثل شرک به خدا، ظلم به خود و دیگران، و منظور از «گناه باطنی»، گناهی است که سرانجام زشت و بدش را هر فردی نمی‌تواند متوجه بشود؛ مانند خوردن گوشت خوک و خون. این نوع گناهان با آگاهی و تعلیم خداوند، قابل شناخت است. (طوسی، بی تا: ۲۵۵/۴)

۳-۱-۹. آرامش در آیه ۲۶ از سوره توبه (ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ)، تبدیل به کلمه‌های جسمانی شده است که بر پیامبر (ص) و مؤمنان نازل شده و موجب اطمینان و سکون آنان شده است تا در قبال دشمن، محکم و دارای انگیزه و مقاومت باشند. (نجفی خمینی، ۱۴۰۰: ۶/۲۳۹)

۳-۱-۱۰. در آیات ۲۴ از سوره ابراهیم (...كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرُّهَا فِي السَّمَاءِ) و ۲۶ از همان سوره (...كَلِمَةً خَبِيثَةً كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ)، ایمان به درختی تشبیه شده که پاک و پر از میوه است و کفر به درختی تشبیه شده که ناپاک است و از ریشه در آمده که هیچ‌گونه مقاومتی ندارد. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴/۳۱)

۳-۱-۱۱. خداوند در آیه ۹۴ از سوره حجر (فَاُصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرَضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ)، مشرکان را به ظرفی تشبیه کرده است و دعوت پیامبر اسلام (ص) را به سنگی تشبیه کرده که آن ظرف را (مشرکان) برای شکستن، مورد هدف قرار داده است. (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۸/۸۳) واژه «صدع» به معنی شکافتن است. «صَدَعَهُ صَدْعًا» یعنی شَقَّهُ: آن را شکافت؛ چنانکه در «مجمع» ذیل آیه ۴۳ از سوره روم (طبرسی، ۱۳۷۰: ذیل آیه ۴۳ روم) و در «مفردات» و «صحاح» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ماده صدع؛ جوهری، ۱۴۰۴: ذیل ماده صدع) به آن تصریح شده است. صدیع به معنی صبح است به اعتبار شکافته شدن. «فَاُصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرَضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»، یعنی مأموریت خویش را آشکار کن و از مشرکین اعراض نما. آشکار کردن چیزی، نوعی شکافتن است. در اقرب‌الموارد گوید: «صَدَعُ الْأَمْرُ: كَشَفُهُ؛ آشکارش کرد». (شرتونی، ۱۴۱۶: ذیل ماده صدع)

استفاده از کلمه «صدع» در قالب استعاره برای تبلیغ، بسیار مناسب است در مقایسه با کلمه «بَلَّغَ»؛ باینکه هردو کلمه به یک معنی است؛ چراکه تبلیغ، هرازگاهی در مخاطب، تأثیرگذار نیست؛ اما شکستن در هرشرایطی تأثیرگذار است. (سیوطی، ۱۳۹۴: ۱/۳۱۱)

۳-۱-۱۲. خدای متعال در آیه ۱۱۲ از سوره نحل (فَأَذَانُهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)، آثار گرسنگی و ترس را به لباس تعبیر کرده است (طبرسی، ۱۳۸۸: ۴/۴۶۵)؛ چراکه آثار گرسنگی و ترس، همانند لباس، بر انسان ظاهر می‌گردد و پوشش می‌دهد. عده‌ای گفته‌اند که چون گرسنگی و ترس تمام وجود آنها را دربرمی‌گیرد و همان‌طور که لباس کل بدن انسان را دربرمی‌گیرد، وجه استعاره گرفتن از آن است. (الکواز، ۱۳۹۱: ۸۱)؛ گویا هدف آیه چنین است که خدا لباس گرسنگی و ترس را به‌خاطر اعمال‌شان بر اندام آنها پوشانید.

۳-۱-۱۳. در آیه ۴۵ از سوره فاطر (مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ)، زمین همانند انسان شخصیت گرفته است که پشت و رو دارد. (نحاس، ۱۴۲۱: ۳/۲۵۷)؛ چراکه مراد از ضمیر «ها» در «ظَهْرَهَا»، زمین است.

۳- ۱- ۱۴. در آیه ۱۰ از سوره نباء (وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا)، شب به لباس تشبیه شده است؛ لباسی که انسان را پوشش می‌دهد و چون شب، تاریک است؛ تاریکی شب همه جهان را می‌پوشاند. (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۱/۴۳۴)

۳- ۲. الگوی حرکتی

از دیگر الگوهای تصویری، الگوی حرکتی است. انسان با تجربه کردن حرکت خود و سایر پدیده‌های متحرک برای دیگر پدیده‌های مختلف، فضایی ایجاد می‌کند که در آن حالت، پدیده‌ها بتوانند حرکت کنند. (صفوی، ۱۳۹۳: ۱۹۰)

این حالت در آیات قرآن نیز وجود دارد که از آن جمله است:

۳- ۲- ۱. خوف و ترس یک حالت روحی و درونی است که در آیه ۱۹ از سوره احزاب (فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ... فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِاللَّيْلِ حَدَادٍ أَشْحَةً عَلَى الْخَيْرِ)، با قدرت از آن یاد شده است. در این الگو و آیات مطرح شده، پدیده‌های جهان که بی‌روح و جان هستند، به موجودات جاندار تشبیه شده‌اند که توانایی حرکت دارند. (مکی، ۱۴۲۹: ۹/۵۸۱۰)

۳- ۲- ۲. در آیه ۸۸ از سوره نمل (وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ)، کوه‌ها به گونه‌ای ترسیم شده است که گویا آن‌ها نیز همانند ابرها حرکت می‌کنند. (واحدی، ۱۴۱۵: ۲/۸۱۱) در این آیه، پاره‌ای از وقایع قیامت که عبارت است از حرکت کوه‌ها، توصیف شده است. از حرکت کوه‌ها در آیات دیگر قرآن نیز سخن به میان آمده است: «وَسِيرَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سَرَابًا» (نباء/ ۲۰) (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۱۱۸)

۳- ۲- ۲. در آیات ۳۷ و ۳۸ از سوره یس (وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ* وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ)، واژه «نَسْلَخُ» برای جدا شدن روز از شب به حالت استعاره بیان شده است که در واقع، کنده شدن پوست گوسفند را می‌گویند. سلخ، یعنی پوست چیزی که قابل لمس باشد، اما کندن آن به علت چسبندگی بودن آن، خیلی دشوار است. (مدنی، ۱۴۲۶: ۵/۱۳۰)

برکنار شدن نور و روشنایی از شب یکی از اموری است که می‌توان آن را حس کرد. این آیه، برکنار شدن تدریجی نور و فرو رفتن جهان در تاریکی را برای چشم، به تصویر می‌کشد؛ اما هنگامی که نور کنار می‌رود، آن چیزی که در آن سوی تاریکی شب مخفی شده بود، ظاهر می‌گردد. (رمانی، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

۳- ۲- ۴. در آیه ۳۲ از سوره مرسلات (إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ)، واژه «رمی» که در لغت به معنی تیر انداختن و پرتاب کردن است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۷۰)، به آتش نسبت داده شده است؛ درحالی که تیراندازی از کارهای انسان است. پراکنده شدن شعله‌های آتش در این آیه

به تیر انداختن تشبیه شده است. شدت شعله‌های آتشین دوزخ، از شدت گداختگی، به قطعه چوب‌های عظیمی تشبیه شده است که به هر طرف پرتاب می‌شوند و دوزخیان را همه‌جانبه فرا می‌گیرند. (حسینی همدانی، ۱۳۷۰: ۱۷/ ۲۹۸)

۳-۳. الگوی قدرتی

از دیگر نگاره‌های تصویری، می‌توان به نگاره قدرتی اشاره کرد که به وقایع قدرتِ تفکر، تکلم، تحرک و... می‌بخشد. در آیات قرآن، از این الگو نیز بهره گرفته شده که از آن جمله است: ۳-۳-۱. در آیه ۲۵۶ از سوره بقره (فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا)، ایمان به ریسمانی تشبیه شده است؛ گویا که ریسمان را نوعی ظرف قلمداد کرده‌اند. رابطه ایمان با سعادت در این آیه، همانند رابطه دستگیره با ظرف است؛ یعنی همانگونه که برداشتن ظرف، بدون دستگیره، امکان‌پذیر نیست و اگر دستگیره را بگیریم، ظرف از دستمان نمی‌افتد، سعادت واقعی نیز جز با چنگ زدن به ریسمان الهی، اجرا نمی‌شود و رسیدن به سعادت، زمانی محقق می‌شود که به خدا ایمان بیاوریم و هرچیزی که غیر از خداست را منکر شده و کافر بشویم. (ابن ادریس، ۱۴۰۹: ۱/ ۹۵)

۳-۳-۲. براساس آیه ۷ از سوره آل عمران (آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ)، آیات محکم مانند مادری است که آیات متشابه را در آغوش می‌گیرد و آیات متشابه همانند کودکی است که به مادر پناه می‌برد. مراد این است که اصل قرآن، محکمات است و برای درک متشابهات، بایستی به محکمات مراجعه کرد. (محلّی، ۱۴۱۶: ۱/ ۵۳)

۳-۳-۳. در آیه ۱۵۴ از سوره اعراف (وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْفَضْبُ أَخَذَ الْأَلْوَابِحَ)، خشم و غضب به حالت انسانی ترسیم شده است که گویی غضب انسان را به کارهایی که انجام داده است، مجبور کرده است. (سمین، ۱۴۱۴: ۳/ ۳۴۹)

۳-۳-۴. در آیه ۲۴ از سوره یونس (إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَزْيَنَتْ)، زمین با گل‌ها و شکوفه‌های زیبایش، با طراوت و سرسبزی بی‌نظیرش به عروسی زیبا تشبیه شده است که لباس‌های رنگارنگ و زیبا و گران‌بها بر تن کرده و خود را به انواع زینت‌های گوناگون مُزین کرده است.

خدای متعال در این تمثیل‌های به‌کاررفته در آیات قرآن به وقایع قدرت تکلم و تفکر و... نظر کرده است تا در فهم و درک آیات قرآن، تأثیر داشته باشد. (محمد قاسمی، ۱۳۹۴: ۴۷)

۳-۳-۵. در آیه ۴۴ هود (وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ)، به زمین و آسمان کارهایی نسبت داده شده که این کارها مخصوص انسان است. خداوند به زمین دستور می‌دهد تا آب را ببلعد؛ سپس به آسمان دستور می‌دهد که باران نباراند و بعد از آن، تقلیل یافتن آب را خبر می‌دهد. (خرقانی، ۱۳۹۴: ۳۰۴)

کاربرد واژه‌های «ابلعی» برای «زمین»، و «اقلعی» برای «آسمان»، نوعی استعارهٔ تخیلی است؛ چراکه «زمین» و «آسمان» به موجودات زنده تشبیه شده‌اند و خداوند از بلعیده شدن آب در زمین برای استعاره استفاده کرده است؛ چنانکه زمین مانند انسان، دهان دارد و آب را می‌خورد. جاذبه زمین را برای بلعیدن، استعاره قرار داده و بعداً آب را برای زمین، غذایی تصور کرده است که به کمک آب می‌تواند زراعت و کشاورزی را پرورش دهد. همان‌طور که خوردن طعام به بدن نیرو می‌بخشد، استعارهٔ واژه «ابلعی» مخصوص غذا است نه آب؛ بنابراین، خدای مَنان، آسمان را فاعل قلمداد کرده است و استعاره از ریخته شدن آب است و آسمان را مخاطب و ذی‌شعور قلمداد نموده. (تفتازانی، ۱۴۱۶: ۸۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳/۳۴۵)

۳- ۳- ۶. در آیه ۶۹ انبیاء (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيمَ)، آتش مانند انسانی به‌تصویر کشیده شده است که دارای فهم و شعور است و می‌توان آن را مورد خطاب قرار داد و امر و نهی کرد؛ هرچند آتش جماد است و نمی‌توان آن را مخاطب قرار داد؛ اما مراد این است که ما آتش را سرد و سلامت کردیم؛ مبادا به حضرت ابراهیم (ع) آسیبی برساند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۶ / ۲۲۱)

۳- ۳- ۷. در آیه ۵ از سورهٔ حج (وَأَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بَهِيحٍ)، زمین همانند رَحِم قلمداد شده که گیاهان و درختان را درون خود پرورش می‌دهد؛ همان‌گونه که رَحِم جنین را از حالت نطفه به صورت علقه و از علقه به شکل مَضْغَه و در نهایت، به یک موجود زنده تبدیل می‌کند، زمین نیز مرحله‌به‌مرحله، گیاهان و درختان را رشد می‌دهد. (جمل، ۱۴۲۷: ۵ / ۱۷۳) صدر آیه فوق، دربارهٔ مراحل خلقت انسان است و ذیل آن دربارهٔ رشد و سرسبز شدن مجدد زمین، بعد از خشک شدن، است.

۳- ۳- ۸. در آیه ۱۸ از سورهٔ حج (الَّذِينَ تَرَأَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنَ الْأَرْضِ وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَالْجِبَالِ وَالشَّجَرِ وَالْدُّوَابِّ وَكَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ)، واژه «يَسْجُدُ» از جهتی، همهٔ موجودات آسمان و زمین و از جهتی دیگر، اکثر انسان‌ها را شامل می‌شود؛ به این دلیل، کلمه «سجده» در دو معنا استعمال شده است:

الف) پیشانی بر روی زمین گذاشتن انسان‌ها که کاری اختیاری است.

ب) خشوع و فروتنی و تسلیم در برابر قدرت لایتنهای خداوند که جزء افعال غیراختیاری است و همچنین هر موجودی ذاتاً در مقابل ارادهٔ خداوند، مطیع و متواضع است. (سیواسی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۲۸)

۳- ۳- ۹. آیه ۱۲ از سورهٔ فرقان (إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا)، آتش را چنان وصف می‌کند که گویا اهل دوزخ را می‌بیند؛ درحالی‌که آتش نمی‌تواند ببیند. این اهل دوزخ هستند که آتش را می‌بینند؛ بنابراین، مراد از آیه این است که گویی آتش نسبت به

دوزخیان، به منزله ناظر است. «سَمِعُوا» نیز بدین معنی است که دوزخیان صدای درد و التهاب آن را می‌شنوند. این موقعیت آتش به فریاد کشیدن غضبناک تشبیه شده است.

در این آیه، دوزخ به حیوانی پرهیبت و بسیار عصبانی شباهت دارد که از شدت خشم، ناله و فریاد سر می‌دهد. (طبرسی، ۱۳۸۸: ۵/۴۱۵)

۳- ۳- ۱۰. در آیه ۴۵ از سوره عنکبوت (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)، نماز به انسانی تشبیه شده است که همه را به امور خوب دعوت می‌کند و از بدی‌ها نهی می‌کند. نماز به منزله صیانت است که با پیام خود، مردم را از کج‌روی باز می‌دارد و از موارد زشت و ناپسند مانع می‌شود. (ابن جوزی، ۱۴۲۵: ۲۸۸) نمازی که خالصانه و همراه با اقرار به توحید الهی باشد، نمازگزار را به سمت خود دعوت می‌کند و از ضد آن منع می‌کند که این نوعی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به عبارت دیگر، هر چیزی که انسان را به سمت خدا فراخواند، بالطبع از غیر خدا باز می‌دارد.

۳- ۳- ۱۱. در آیه ۷۲ از سوره احزاب (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا)، به آسمان و زمین با دید موجودی مشخص نگاه شده است؛ آنچنان که می‌تواند امانت‌دار خوبی باشد و مراد از امانت، مطیع خدا بودن است.

مفهوم کلی این آیه چنین است که این اجرام آسمانی، فرمانبردار اوامر الهی هستند و هیچ وقت از دستورات الهی تخطی نمی‌کنند؛ در حالی که انسان‌ها نیز باید همانند اجرام آسمانی از خدا اطاعت کنند و پیرو فرامین الهی باشند؛ چرا که موجودات ذی‌شعوری هستند؛ اما آن‌گونه که باید و شاید مطیع و فرمانبردار نیستند. (مسلمی، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۵)

۳- ۳- ۱۲. در آیه ۱۰ از سوره سباء (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّوْلُ لَهُ الْحَدِيدُ)، «اَوِّب» که به معنی نیایش است، به کوه نسبت داده شده است (طریحی، ۱۳۸۵: ۲/۲۸)؛ حال آنکه ذکر گفتن و نیایش کردن، مخصوص موجودات با اختیار است.

۳- ۳- ۱۳. در آیه ۱۸ از سوره ص (إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ)، با توجه به اینکه ذکر و ستایش کوه‌ها، دقیقه‌به‌دقیقه، انجام می‌شود، این واژه به جای «مسبحات»، انتخاب شده است و خداوند چنین مقرر کرده است که هر وقت حضرت داوود ذکر خدا می‌کرد، کوه‌ها نیز با او هم‌صدا شده و خدا را تسبیح می‌گفتند. (فیضی، ۱۴۱۷: ۴/۴۵۹)

۳- ۳- ۱۴. خداوند در آیه ۱۱ از سوره فصلت (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ)، مانند انسان، برای آسمان و زمین، تفکر و شعور قائل شده است؛ آنچنان که زمین و آسمان را همچون موجود زنده‌ای قلمداد کرده که از وقایع اطراف خود آگاه است و بدین جهت، آن‌ها را به آمدن دستور داده است.

۳- ۳- ۱۵. براساس آیه ۲۰ از سوره فصلت (حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ

وَأَبْصَارُهُمْ وُجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)، چنین قلمداد شده است که اعضای بدن انسان صحبت می‌کنند. شاید پرسشی مطرح شود که اعضای بدن انسان چگونه سخن می‌گویند. در جواب، باید گفت که همچنان که خدا در کوه طور در برابر حضرت موسی (ع)، درخت را دستور داد تا صحبت کند، اعضای بدن انسان نیز به دستور خدا، سخن می‌گویند؛ به این شکل، تکلم را در جوارح انسان، ایجاد می‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۹۵)

۳- ۳- ۱۶. در آیه ۳۹ از سوره فُصِّلَتْ (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً)، آرایه ادبی کنایه و استعاره استفاده شده است. خدای منان، واژه خشوع را صفت برای ارض، قرار داده است؛ چراکه زمین به دلیل خشک و بی‌آب و علف بودن، مانند انسانی است که خیلی فقیر است و لباس‌های کهنه و پاره دارد و بالعکس؛ هنگامی که در سطح زمین، درختان و گیاهان رشد می‌کنند و سرسبز و زیبا می‌شوند در نشاط و شادابی، شبیه فردی می‌شوند که لباس‌های کهنه و فرسوده را از تن برآورده و لباس‌های زیبا و گران‌قیمتی بر تن کرده است. (باقر، ۱۳۹۹: ۱۱۱)

۳- ۳- ۱۷. براساس آیه ۳۰ از سوره ق (يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ)، دوزخ و اهل دوزخ انسانی به تصویر کشیده شده است که مشغول صحبت با خدا است. خدای متعال با مطرح کردن این پرسش و پاسخ، گویای این مطلب است که قهر و غضب خداوند و مجازات او شامل همه مجرمینی خواهد شد که با اعمال‌شان مشمول این عذاب شدند؛ چراکه در فرمان‌برداری از خدا قاصر بودند و بدان جهت که همه اجزای جهان آخرت علم، اراده و شعور دارند؛ پس احتیاج نیست، پرسش و پاسخ را در اینجا تاویل کنیم. (جرجانی، ۱۴۳۰: ۲/ ۵۸۹)

۳- ۳- ۱۸. در آیات ۵ و ۶ سوره الرحمن (الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ * وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ)، آرایه ادبی ایهام تناسب به کار رفته است. در کتاب لغت برای کلمه «نجم» دو معنی گیاه و ستاره ذکر شده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۷/ ۲۵) که در صورت استفاده از معنای ستاره، با کلمات خورشید و ماه تناسب معنایی خواهد داشت و هنگام استفاده از معنای گیاه، با واژه درخت تناسب دارد. (شمس‌العلمای گرگانی، ۱۳۸۱: ۲۹۴)

۳- ۳- ۱۹. مقصود از آیه ۲۱ سوره حشر (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقَرُونَ) این است که اگر ما این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، مشاهده می‌کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت. هدف آیه این است که اگر کوه از جنسی بود که قرآن کریم بر آن نازل می‌شد و آن را درک می‌کرد، با آن عظمت و استحکامش، هر لحظه از خشیت خدا می‌ترسید؛ پس انسان که تعقل و اندیشه دارد، جاه و جلال و عظمت خدا را بیشتر از کوه می‌تواند درک کند.

نکته بلاغی این آیه این است که باینکه کوه از جمادات است و نمی‌تواند تواضع و خشیت داشته باشد، (چراکه تواضع و خشیت از جمله افعالی است که فاعلش بایستی قوه تفکر داشته باشد)، ولی خداوند این‌گونه تصویرسازی نموده تا انسان سنگ‌دل هنگام خواندن آیات قرآن در وعده و وعیدها و هشدارهای خدا، بیندیشد و خشوع و خضوع در او ایجاد شود. (بنت الشاطی، ۱۳۸۴: ۲۶۶)

۳- ۳- ۲۰. واژه «الغیظ» در آیه ۸ از سوره ملک (تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ)، آرایه ادبی استعاره دارد که جهت نشان دادن جوشیدن از شدت خشم با آتش‌افزار، استعاره شده است. در این آیه، دوزخ به انسانی تشبیه شده است که از شدت خشم، آنچنان می‌جوشد که کم مانده پاره‌پاره شود. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۰۹)

۳- ۳- ۲۱. در آیه ۱۵ ملک (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا)، زمین به شتری که آرام و سواری است، تشبیه شده است. واژه «ذلول» در بین مرکب‌ها، به معنای مرکبی است که خیلی آرام است و انسان را زمین نمی‌زند؛ مرکبی که به آسانی می‌توان از آن سواری کشید. (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۱۱/۲۵۷)

واژه «مناكب» نیز در اصطلاح پزشکی، آنجایی است که استخوان کتف با سر استخوان بازو متصل می‌شود. اگر در این آیه، نقاط گوناگون زمین را منكب خطاب کرده است، نوعی استعاره است. (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۰/۶۰۲)

۳- ۳- ۲۲. خدای متعال در آیه ۱۸ از سوره تکویر (وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ)، «تنفس» را که خارج شدن نفس به حالت تدریجی است، برای خارج شدن تدریجی نور از سمت مشرق در سحرگاهان، استعاره گرفته است. در این آیه، صبح همانند موجودی زنده فرض شده است که تنفس آغازینش با طلوع خورشید شروع می‌شود و در همه کائنات، روح حیات می‌دمد.

اگر قرآن صبح را موجودی فرض کرده است که نفس می‌کشد، به این دلیل است که صبح نورش را در آسمان، پخش می‌کند و تاریکی که افق را دربر گرفته بود، از بین می‌برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۲/۱۹۸)

۳- ۳- ۲۳. خدای متعال در آیه ۹ القارعه (فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ)، آتش جهنم را همچون مادری برای اهل جهنم قلمداد کرده است که به آغوش آن مادر پناه می‌برند و آتش نیز همانند یک مادر، اهل دوزخ را بغل می‌گیرد و پناه می‌دهد. (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۰/۵۹۲)

نتیجه

هدف از نگارش این مقاله، پاسخ به این پرسش است که طرح‌های تصویری چه نقشی در درک و یادگیری بهتر قرآن کریم دارند؟ بر مبنای مباحث مطرح‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که خداوند برای درک بهتر و راحت‌تر آیات قرآن کریم و ارائه مطالب با زیبایی

خاص آن، از ابزارهای متعددی استفاده کرده است؛ یکی از این ابزارها تصویرسازی است. در قرآن کریم، از الفاظی استفاده شده است که از حالت عادی دور شده و با واژه‌های خود، تصویرهای زیبایی ابداع نموده است تا آیات قرآن را بهتر بفهمیم.

طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی در سه حوزه، قابل بررسی است:

الگوهای حجمی: که به وقایع مادی حجم می‌دهد و آنها را قابل درک و تصور می‌سازد.

الگوهای حرکتی: که به وقایع، مانند جانداران، قابلیت تحرُّک می‌دهد.

الگوهای قدرتی: که برای وقایع، قوه تفکر، شعور، تکلم و... تلقی می‌کند.

هر کدام از مباحث این سه حوزه، به نحوی به وقایع مختلف، روح و حیات بخشیده که سبب می‌شود، انسان‌ها برای درک آیات قرآن در ذهن خود، تصویرهای متعدد و گوناگونی مطرح کنند و بر مبنای آن تصویرها، آیات قرآن کریم را در زندگی خود استفاده کنند و به هدف نهایی خلقت که همان تکامل انسان است، برسند.

با این وجود، با در نظر گرفتن شبهات در حوزه قرآن پژوهی، استفاده از ابزارهای سنتی و یا مبنی بر عقل‌گرایی در درک و یادگیری قرآن همواره کافی نیست. ابزارهای معناشناسی جدید در جهت تصحیح و از بین بردن کاستی‌ها و نیز مطرح کردن راه‌های نوین در این راستا، کمک شایانی در درک عمق مفهومی و زیبایی قرآن می‌نماید. با این توصیف‌ها، ضرورت استفاده از ابزارهای معناشناسی جدید را با مؤلفه‌های زیر، می‌توان چنین مطرح کرد:

مواجه شدن با روش نادرست تفسیر به رأی، به خاطر استفاده نکردن از دستورات معناشناسی شناختی در تفسیر قرآن و گسترش دادن آن.

از طریق ساختار هندسی قرآن کریم، با غرض هر سوره آشنا شده، از این طریق، گزاره‌های جدیدی از قرآن کریم را کشف می‌کنیم. گزاره‌هایی که به‌طور معمول، از بررسی و مطالعه جداگانه آیات به‌دست نمی‌آید.

زبان‌شناسی در توضیح اختلاف تعبیرات، قدرت بسیار بالایی دارد و موارد جزئی پنهان در تعبیرات قرآنی را با تحلیل و بررسی، مطرح می‌کند. این علم اشکالات بسیاری از یافته‌های ادبی را مطرح کرده و مسیر دید مفسر را به جاهایی می‌کشاند که بدون آن امکان دسترسی به آن‌ها وجود ندارد. یکی از مواردی که زبان‌شناسی شناختی بر روی آن اصل استوار است، این است که هر تعبیری بر مفهوم‌سازی ویژه بنا شده است و ما می‌توانیم، از یک موقعیت، تعبیرات زبانی خاصی داشته باشیم. اگرچه این تعبیرات موقعیتی را برای ما مطرح می‌کند، اما تفاوت‌های عمده‌ای در بین آنها موجود است. این اصل که معناشناسی مفهوم‌سازی است، به اختلافات زیادی در بین تعبیرات متعددی از یک موقعیت اشاره دارد؛ بنابراین هدف از نگارش این مقاله بر این بوده است تا به بررسی و تحلیل الگوهای تصویری در معناشناسی شناختی کلمات قرآن کریم پرداخته شود و از این طریق به عمق مفاهیم و زیبایی‌های این کلام الهی دست یابیم.

کتابنامه

- قرآن کریم.
ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۰۹). «المنتخب من تفسير القرآن و النکت». قم: کتابخانه عمومی حضرت آیتالله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۵)، «تذکره الأریب فی تفسیر الغریب». بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱). «تفسیر غریب القرآن». بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵)، چاپ ۲. «لسان العرب». بیروت: دار الصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن». مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۲). «معنای متن»، ترجمه مرتضی کریمی نیا. تهران: طرح نو.
- ابوعبیده، معمر بن منی (۱۳۸۱). «مجاز القرآن». قاهره: مکتبه الخانجی.
- اسلامی پناه، مهدی (۱۳۹۵). «تفسیر ادبی قرآن». قم: سرور.
- افراشی، آریتا (۱۳۹۵). «رویکردی شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی». تهران: انتشارات نویسه پارسی.
- انصاری، عبدالله (۱۳۷۱). «کشف الاسرار و عدة الابرار». تهران: امیر کبیر.
- باقر، علیرضا (۱۳۹۹). «زمخشری و تفسیر کشاف»، چاپ دوم. تهران: خانه کتاب.
- بستانی، قاسم (۱۳۹۲). «کاربرد روشهای معناشناسی نوین در پژوهشهای قرآنی»، مطالعات قرآن و حدیث ۹، شماره اول، ۲۱۱-۲۲۶. <https://doi.org/10.30497/quran.1392.10.3>
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۸۴). «اعجاز بیانی قرآن»، ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۱۶). «مطول»، چاپ چهارم. قم: مکتبه الداوری.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰). «درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم». عمان: دار الفکر.
- جمل، سلیمان بن عمر (۱۴۲۷). «الفتوحات الإلهیة بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق الخفیة». بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). «تفسیر موضوعی قرآن کریم»، چاپ سوم. قم: انتشارات اسوه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). «تاج اللغة و صحاح العربیة»، چاپ سوم. بیروت: دار العلم المالیین.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۷۲). «تفسیر اثنا عشری». تهران: انتشارات میقات.
- حسینی همدانی، محمدحسین (۱۳۷۰). «انوار درخشان»، تحقیق محمدباقر بهبودی. تهران: کتابفروشی لطفی.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۴). «قرآن و زیبا شناسی». مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- خلف مراد، عبدالرحیم (۱۳۹۰). «درآمدی بر معناشناسی قرآن». قم: دارالعلم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۱ ش). «لغت نامه دهخدا». تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین محمد (۱۴۱۶). «المفردات فی غریب الفاظ القرآن». تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریة.
- رمانی، علی بن عیسی (۱۳۹۳). «النکت». مصر: دارالمعارف.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل». بیروت: دار الکتاب العربی چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۶). «مقدمه الأدب». تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴). «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون». بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷). «عیون التفسیر». بیروت: دار صادر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۴). «الاتقان فی علوم القرآن»، ترجمه سید محمود دشتی، چاپ ششم. قم: دانشکده اصول الدین قم.
- شرتونی سعید (۱۴۱۶). «اقرب الموارد». قم: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة. دار الأسوة للطباعة و النشر.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). «مبانی معنا شناسی نوین». تهران: سازمان سمت.
- شمس العلمای گرگانی، محمد حسین (۱۳۸۱). «ابدع البدایع»، به کوشش حسین جعفری. تبریز: احرار.
- شهریاری نسب، سروش (۱۳۹۹). «زبان شناسی در خدمت نظم قرآن». تبریز: عاصم.

- صفوی، کوروش (۱۳۸۸). «درآمدی بر معنا شناسی». تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۳)، "بجئی درباره طرح‌های تصویری از دیدگاه معناشناسی شناختی"، مجله نامه فرهنگستان، شماره ۲۱، ۷۵-۹۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۵). «المیزان فی تفسیر قرآن»، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، چاپ چهاردهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). «التفسیر الکبیر». اربد: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۸). «تفسیر جوامع الجامع»، ترجمه مترجمان، چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۷۵). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ترجمه مترجمان، تحقیق رضا ستوده. تهران: انتشارات فراهانی .
- طریحی، فخرالدین (۱۳۸۵). «مجمع البحرین»، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طنطاوی، محمد (۱۹۹۷). «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم». مصر: نهضت.
- طوسی محمد، بن حسن (بی‌تا). «التبیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب حسینی، محمود (۱۳۹۹). «چند معنایی در قرآن کریم»، چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰). «معانی القرآن». قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فیضی، ابوالفیض بن مبارک (۱۴۱۷). «سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام». قم: دار المنار.
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۹). «معناشناسی شناختی قرآن». تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۹۵). "نشانه شناسی و فلسفه زبان"، فصلنامه ذهن، سال هفتم، شماره ۳، ۱۰۳-۱۱۸.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). «قاموس قرآن». تهران: دار الکتب الإسلامية.
- قشیری، عبدالکریم (۲۰۰۰). «لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم»، چاپ سوم. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- الکواز، محمد کریم (۱۳۹۱). «سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن»، ترجمه سید حسین سیدی. تهران: سخن.
- لبش، علی اکبر (۱۳۹۴). «نگاهی به فرایند مقوله بندی در معناشناسی شناختی». تهران: انتشارات آترپسا.
- محلی، محمد بن احمد و جلال الدین سسیوطی (۱۴۱۶). «تفسیر الجلالین». بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

References

Holy Quran

- Ibn Idris, Muhammad Ibn Ahmad (1409). "Al-Muntakhb Man Tafsir al-Qur'an and Al-Nakt". Qom: Public library of Hazrat Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA).
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman bin Ali (1425), "Taqarah Al-Arib fi Tafsir al-Gharib". Beirut: Dar al-Ketab al-Elamiya.
- Ibn Qutiba, Abdullah bin Muslim (1411). "Tafsir Gharib Qur'an". Beirut: Al-Hilal Library and Library.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1375), 2nd edition. "Languages of the Arabs". Beirut: Dar al-Esq.
- Abul Fatuh Razi, Hossein bin Ali (1408). "Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an". Holy Mashhad: Aftan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- Abu Zayd, Nasr Hamed (1392). "Meaning of the Text", translated by Morteza Kariminia. Tehran: Tarh-e-Naw.
- Abu Ubaidah, Mu'ammr bin Muthanna (1381). "The Majaz of the Quran". Cairo: Maktaba al-Khanji.
- Eslami Panah, Mahdi (1395). "Literary Interpretation of the Quran". Qom: Sarwar.
- Afrashi, Azita (1395). "A Cognitive Approach to the Representation of Motion in Persian". Tehran: Noviseh Parsi Publications.
- Ansari, Abdullah (1992). "Discovery of the Secrets and the Number of the Righteous". Tehran: Amir Kabir.
- Baqir, Alireza (2010). "Zamakhshari and the Interpretation of the Revealer", 2nd edition. Tehran: Khaneh Kitab.
- Bastani, Qasem (2013). "Application of Modern Semantic Methods in Quranic Research", Quran and Hadith Studies 9, Issue 1, 211-226. doi: 10.30497/QURAN.2012.1003
- Bint al-Shati, Aisha (2005). "The Miracle of the Explanation of the Quran", translated by Hossein Saberi. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Taftazani, Sa'ad al-Din Mas'ud ibn Omar (1416). "Metwal", 4th edition. Qom: Maktaba al-Dawri.
- Jurjani, Abdul-Qahir ibn Abdul-Rahman (1430). "The Place of the Al-Durr in the Interpretation of the Great Quran". Oman: Dar al-Fikr.
- Jamal, Suleiman bin Omar (1427). "The divine conquests explained by Tafsir al-Jalalin for al-Daqayq al-Khufia". Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya.
- Javadi Amoli, Abdullah (1390). "Thematic interpretation of the Holy Quran", third edition. Qom: Asoeh Publications.
- Johari, Ismail bin Hammad (1404). "Taj al-Lagha and Sahih al-Arabiya", third edition. Beirut: Dar al-Alam al-Malayin.
- Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein bin Ahmad (1372). "Tafsir Twelver". Tehran: Miqat Publications.
- Hosseini Hamdani, Mohammad Hossein (1370). "Avar Derakhshan", Mohammad Baqer Behbodhi's research. Tehran: Lotfi bookstore.
- Kharkhani, Hassan (2014). "Qur'an and Aesthetics". Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Khalaf Murad, Abdur Rahim (2010). "Introduction to the Semantics of the Qur'an". Qom: Darul Alam.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1391). "Dehkhoda Dictionary". Tehran: University of Tehran.
- Raghib Isfahani, Hossein Mohammad (1416). "Al-Mufradat fi Gharib Al-Afsah Al-Quran". Tehran: Al-Muktabah Al-Murtazawiyah Lahya' Athar Al-Ja'fariyyah.
- Romani, Ali ibn Isa (1393). "Al-Nakt". Egypt: Dar Al-Ma'arif.

- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407). "Al-Kashf on the hidden facts of the revelation and the eyes of the proverbs in the aspects of interpretation". Beirut: Dar Al-Kitab al-Arabi, third edition.
- 1386) —————). "Introduction to Literature". Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran.
- Samin, Ahmed bin Yusuf (1414). "Eldar al-Masoon in the science of the book of al-makunoon". Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya.
- Sivasi, Ahmad bin Mahmud (1427). "Ayun al-Tafseer". Beirut: Dar Sadir.
- Siyuti, Jalaluddin (2014). "Al-Taqaan Fi Uloom al-Qur'an", translated by Seyyed Mahmoud Dashti, 6th edition. Qom: Usul al-Din College of Qom.
- Sheratuni Said (1416). "The closest resources". Qom: Al-Awqaf and Charity Organization. Dar al-Aswa for printing and publishing.
- Shairi, Hamid Reza (2009). "Fundamentals of Modern Semantics". Tehran: Samt Organization.
- Shams al-Ulama Gorgani, Mohammad Hossein (2002). "Inventing Innovations", edited by Hossein Jafari. Tabriz: Ahrar.
- Shahriari Nasab, Soroush (2009). "Linguistics in the Service of the Order of the Quran". Tabriz: Asim.
- Safavi, Kourosh (2009). "Introduction to Semantics". Tehran: Surah Mehr.
- 2014) —————), "A Discussion on Visual Designs from the Perspective of Cognitive Semantics", Nameh Farhangeštan Magazine, Issue 21, 75-95.
- Tabatabaaci, Mohammad Hossein (2016). "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran", translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, 14th edition. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad (2008). "Al-Tafsir al-Kabeer". Irbid: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabarsi, Fadl bin Hassan (2009). "Tafsir al-Jawam al-Jama'i", translated by the translators, 2nd edition. Mashhad: Aštan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- 1991) —————). "Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", translation by translators, researched by Reza Sotoudeh. Tehran: Farahani Publications.
- Reza Sotoudeh. Tehran: Farahani Publications.
- Turahi, Fakhr al-Din (2006). "Majma al-Bahrain", research by Seyyed A